

ادبیات عامیانه فارسی در دوره قاجار*

■ نوشته: اولریش مارزولف**

■ ترجمه: عباس امام***

این گفتار دلیزیر را دوست فاضل آقای عباس امام به خواستاری من به فارسی گردانید. سپس ترجمه را به نظر آقای مارزولف رسانیدم و ایشان پسندیدند. اینک آن را چون مربوط به ادبیات عامیانه است برای چاپ به فصلنامه فرهنگ مردم می‌سپارم و سپس بسیار خود را به آقای امام - دوستدار واقعی فرهنگ ایران - عرضه می‌دارم.

ایرج افشار

چکیده

ارزیابی فرهنگ عامیانه و ادبیات مردمی گذشته تنها از طریق بررسی اطلاعات و نمونه‌های ثبت شده امکان‌پذیر می‌باشد، در نتیجه مجموعه‌های ادبی بزرگ هر دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. در این جستار، پس از ارائه مقدمه‌ای درباره معنای اصطلاح «ادبیات عامیانه» در چارچوب زبان فارسی، خواهیم کوشید تا فهرستی منحصر بفرود (مربوط به سال ۱۲۸۱ ق / ۱۸۶۰ م) از گونه‌های ادبیات عامیانه مکتوب و موجود دوره قاجار را مطرح ساخته و مورد بحث قرار دهیم. این فهرست دربرگیرنده مجموعه‌ای گسترده از منابع مکتوب ادبیات عامیانه دوره قاجار است و نشان می‌دهد چگونه پاره‌ای از اینگونه آثار و مفاهیم سنتی بعدها با پشت سر گذاشتن حوادث روزگار توانستند پای به جهان امروز بگذارند.

کلید واژه‌ها

ادبیات عامیانه - فرهنگ عوام دوره قاجار - تاریخ صنعت چاپ در ایران - چاپ سنگی.

* مشخصات اصل انگلیسی این جستار به این قرار است:

Persian Popular Literature in the Qajar Period, by Ulrich Marzolph, in Asian Folklore Studies, Volume 60, 2001: 215-236.

*** دانشگاه شهید چمران اهواز

*** دانشگاه کوبتینگن آلمان

در فضای فرهنگی جوامع اسلامی، یک اثر مکتوب تاریخی و منحصر بفرد - به عنوان یک منبع اطلاعاتی بی‌همتا -، تمامی مباحث مربوط به تحول تاریخی ادبیات عامیانه همزمان با قرون وسطی در کشورهای اسلامی را تحت الشعاع خود قرار داده است. پدیده مذکور در واقع فهرستی است از عناوین کتاب‌های تالیف شده تا دوره مؤلف که کتابفروشی از اهالی بغداد به نام محمد بن اسحاق بن الندیم در نیمه دوم قرن دهم میلادی (چهارم ق) گردآوری کرده است، کتابی که عموماً با عنوان کلی «الفهرست» شناخته می‌شود. به گواهی تمامی صاحب‌نظران، برای بررسی و مطالعه ادبیات عرب این مرجع از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است (Dodge 1970). فصل نهم این کتاب به ارائه نام و عنوان قصه‌ها و انواع روایات جادوگری اختصاص یافته و دربرگیرنده اطلاعاتی بسیار ارزشمند در مورد ادبیات روایی آن دوره است (Grotzfeld and Irwin 1994, 49-50). از بین نمونه‌های این نوع ادبیات روایی می‌توان از نخستین اشاره‌ها به تاریخچه پیدایش و یا آفرینش قصه‌های هزارویکشب، ذکر نام اسکندر کبیر به عنوان نخستین امپراتور حامی قصه‌سرایی و همچنین روایتی دست اول از تهیه و تدوین اثری عظیم و مرتبط با گردآوری قصه‌های عامیانه نام برد که مؤلف آن شخصی به نام محمدبن عبدوس الجهشیری بوده هرچند متأسفانه امروزه هیچ نشانی از این اثر در دست نیست.

«الفهرست» ابن ندیم از دیدگاه تحقیقی مؤلف و از نظر نحوه ارائه اسناد و مدارک هنوز هم بی‌همتا است چراکه در قرنهای بعدی در واقع در گستره زمانی - مکانی کشورهای اسلامی هیچ اثر دیگری در این زمینه در دست نیست که بتواند با آن برابری کند. موضوع فرهنگ و ادبیات روایی فارسی دوران قرون وسطی را که در «الفهرست» اشارات فراوانی به نمونه‌های اولیه آن شده است، امروزه براساس اظهارات پراکنده‌ای که اتفاقاً برای تدوین تاریخچه ادبیات حماسی سوئدمنند می‌باشد مورد بازسازی قرار گرفته است (Omidisalar 1984; Omidisalar and Omidisalar 1999; Yamamoto 2000, 48-57). اما با این همه، اشارات و نظراتی که بتوان براساس آنها یک ارزیابی کلی در مورد محتوا و نقش ادبیات عامیانه ایرانی ارائه کرد، وجود ندارد، البته منظور ما بیان موضوعی است که تقریباً برای هر دوره از تاریخ ایران صحت و اعتبار داشته باشد. مقاله حاضر در واقع تلاشی است برای پرکردن این نوع خلاء اطلاعاتی، و بویژه با اشاره به دوره قاجاریه (۱۷۹۴-۱۹۲۴)؛ یعنی دوره‌ای که از جنبه‌های بسیاری حلقه واسطه بین دو دوره سنت و تجدد تلقی می‌شود.

اگر با نگاهی دقیق به وضعیت ادبیات عامیانه دوره قاجار بنگریم متوجه خواهیم شد که ابتدا باید بکوشیم تا در چارچوب مفاهیم امروزی، اصطلاح «ادبیات عامیانه» را تعریف کنیم. سنی چند از پژوهشگران برجسته فرهنگ عوام ایران، مانند ویلیام هاناوی پسر

(William Hanaway, Jr) و محمدجعفر محجوب کوشیده‌اند تا تعاریف خود از این اصطلاح را عمدتاً براساس معیارهای مرتبط با «قالب» و «مضمون» اینگونه اثار ارائه دهند. هاناوی عمدتاً به ادبیات حماسی علاقه‌مند بود و در نتیجه وی با اتخاذ موضع و برداشتی بسیار تنگ نظرانه ادبیات عامیانه را اینگونه تعریف می‌کند: «ادبیات عامیانه مجموعه‌ای است از ادبیات مثنوی روائی که یا برگرفته از افسانه‌های ملی ایرانی است و یا به آن سبک پدید آمده باشد» (1971, 59). از سوی دیگر، محجوب توانست تا به لطف آشنایی نزدیک خود با مجموعه گسترده‌ای از مطالب خواندنی عامیانه که در جوانی با آنها برخورد کرده بود، تعریفی دقیق‌تر ارائه دهد. مجموعه گسترده مقالات محجوب که در مجله «سخن» به چاپ می‌رسید، به صورت الفبایی و با هدف بررسی اجمالی تمامی گونه‌های ادبیات عامیانه انشمار یافت. اتفاقاً نقطه آغاز انتشار این مجموعه مقالات، مطلبی درباره «ابومسلم نامه» بود که محجوب بعدها نیز به‌طور مفصل در مورد آن قلم‌فرسایی کرد (محجوب ۱۳۶۸). وی در یک مقاله مفصل ولی مقدماتی انواع داستانها را به شرح زیر دسته‌بندی کرد (محجوب ۱۳۳۸):

- ۱- داستانهایی که به‌طور کامل زاینده ذهن داستانسرای آن است مانند: امیرارسلان، ملک بهمن، بدیع‌الملک و یا نوش آفرین گوهر تاج.
- ۲- داستانهایی که مبتنی بر نوعی برداشت تاریخی است مانند:
 - رموز حمزه، اسکندرنامه، رستم‌نامه و حسین‌گرد.
 - ۳- داستانهای مربوط به زندگی شخصیت‌های معروف مذهبی مانند، خاورنامه.
 - ۴- داستانهایی که به زندگی شخصیت‌های معروف مذهبی شاخ و برگ می‌داد مانند مختارنامه.
 - ۵- داستانها یا ماجراهای عاشقانه مانند:
 - هفت پیکر بهرام‌گور، حاتم طائی، چهار درویش، سلیم جواهری، دله مختار و یا مکر زنان؛
 - مجموعه داستانهای مانند الف لیل و یا سندبادنامه نیز در این مقوله قرار می‌گرفت.
 - ۶- داستانها یا مجموعه داستانهایی که عمدتاً در مورد شخصیت‌های حیوانی بود، مانند
 - چهل طوطی، خاله سوسکه، آقا موشه و موش و گربه.
 - ۷- داستانهای مختصری که اقتباس از آثار شعری شعرای نامدار ایران بود.

هرچند مجموعه مقالات محجوب ناتمام باقی ماند - بعد از اتمام مدخل «ب»، و به‌طور مشخص بعد از توضیح «بهرام و گلندام» - اما به‌عنوان کاری فوق‌العاده علمی، مفید و بسیار خواندنی هنوز هم این اثر ارزش خود را حفظ کرده است.

در هر صورت، نه حته‌وی و نه محجوب هیچکدام نتوانسته‌اند ساز و کار پیدایش و گسترش این نوع ادبیات عامیانه را بررسی کنند، در حالیکه می‌دانیم امروزه برای شناخت چگونگی



گسترش پاره‌ای از گونه‌های ادبی، پرداختن به چنین عواملی از ارزش بسیار برخوردار است (Schenda 1993, 217-38). در حالی که هاناوی عمدتاً به سراغ آثار دوره دستنویس‌ها رفته است، محبوب احتمالاً با توجه به اطلاعات خود در مورد گسترش صنعت چاپ در ایران و نقش آن در زمینه ترویج بیشتر این گونه قصه‌ها و داستانها تلاش‌های خود را به این دوره معطوف کرده است. افزون بر این، هدف محبوب بحث و بررسی ادبیات عامیانه زمانه خود بوده است ولی در عین حال همواره سعی کرده تا خوانندگان خود را با نمونه‌هایی از ادبیات عامیانه معروف (و تا حدود زیادی نمونه‌های موجود) مربوط به دوره‌ای که تا پایان عصر قاجاریه را دربرمی‌گیرد، آشنا سازد. محمدجعفر محبوب متولد ۱۹۲۳ م (۱۳۰۲ ش) بوده، و وقتی در دهه ۱۹۵۰ درباره مطالعات دوره جوانی خود سخن می‌گفته، احتمالاً منظور وی نمونه‌های ادبیات عامیانه رایج در دهه ۱۹۳۰ م بوده است.

نکته دیگری که در این زمینه قابل توجه می‌باشد این است که ریشه‌های روایت‌های شفاهی اوایل قرن بیستم میلادی با ریشه‌ها و خاستگاه‌های امروزی اینگونه ادبیات تفاوت چندانی ندارند. به عنوان مثال، مجموعه خاطرات یا قصه‌های روایت شده از سوی یکی از پیرزنان ایرانی به نام «مشدی گلین خانم» - که در دهه چهل میلادی یعنی زمان ثبت و ضبط روایات او بیش از هفتاد سال سن داشت - نشان‌دهنده ویژگی ادبیات شفاهی عوام در اواخر دوره قاجار است. گلین خانم که تقریباً آخرین دهه‌های این دوره را درک کرده بود، احتمالاً هم این قصه‌ها و هم روابط اجتماعی دوره اولیه تجارب خود را به خاطر سپرده بود (Elwell Sutton 1980; Marzolph et al. 1995; Marzolph 2000, 450).

علاوه بر این، هرچند در مورد کیفیت ادبیات شفاهی دوره قاجار شاهد دقیقی از خود آن دوره در دست نیست، اما می‌دانیم که حتی در آغاز قرن بیست و یکم اگر پدر بزرگی بخواهد قصه‌ای را از پدر بزرگ خود نقل کند، یقیناً به راحتی یک فاصله زمانی چهار - پنج نسلی را به عقب باز خواهد گشت تا بتواند خود را به دوره شکوفایی فرهنگ قاجاریه در اواسط قرن نوزدهم مرتبط و نزدیک سازد. همچنین سهم عمده ادبیات عامه موجود تا اواسط قرن بیستم حاصل منابعی است که در قرن نوزدهم به چاپ رسیده بوده، و این نکته‌ای است قابل اثبات (Marzolph 1994a). این گونه ادبیات کم حجم و گسیخته که هنوز هم در زبان ادبیات فارسی دارای عنوان خاصی نمی‌باشد شاید تا حدود زیادی مشابه «ادبیات طنابی» اسپانیایی باشد که یکی از نویسندگان اسپانیایی به نام مارکو (Marco 1977) عنوان Pliegos de Cordel (نشریات طنابی) را برای آنها برگزیده چراکه می‌دانیم حتی امروزه نیز دهه‌های روزنامه‌فروشی و دست فروش‌های پیاده‌رو نشین شهرها مطالب خواندنی کم اهمیت‌تر خود را با گیره به طنابهایی که

بین دو درخت گره زده‌اند، آویزان می‌کنند. عملاً ثابت شده است که ادبیات عوام در مقایسه با ادبیات شفاهی در مقابل تحولات فرهنگی مقاومت نسبتاً بیشتری از خود نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، اجرای شفاهی ماجراهای سلیم جواهری (جواهرفروش) که قصه آن در نیمه دوم قرن بیستم ثبت گردیده است (Mills 1992, 96-15). به کتابچه‌ها یا جُنگ‌هایی برمی‌گردد که در اواسط قرن بیستم خرید و فروش می‌شدند (Marzolph 1994a, xlii)؛ جُنگ‌ها یا کشکول‌هایی که خود حاوی متون چاپی مربوط به ایران دوره قاجار در اواسط قرن نوزدهم بودند (Marzolph 2001, 261). و ارزش‌های اخلاقی - فرهنگی مستتر در این مطالب نیز ریشه در زمانه‌هایی حتی دوردست‌تر از این دوره داشت، مثلاً مربوط به دوره صفوی می‌شد که به احتمال بسیار زیاد این‌گونه قصه‌های عاشقانه در آن زمان تصنیف شده بود (Marzolph 1994 b). یک نمونه روشنگرتر پایداری و تداوم حیات ادبیات عامه را می‌توان در ادبیات کشورهای عرب همسایه ایران یافت، به‌عنوان مثال در «المستظرف» (از تصانیف ابشیهی در قرن پانزدهم میلادی / حدوداً نهم قمری) که با بهره گرفتن از منابع مربوط به قرون اولیه اسلامی تدوین شده بود و تا پایان قرن بیستم خوانندگان بسیاری داشت، چاپ‌های جدید بسیاری از روی آن صورت گرفت و تا مدتها به صورت داستانهایی مجزا در جامعه دست به دست می‌گشت (Marzolph 1997, 415). در ایران که با توجه به شرایط سیاسی و (در پی آن تحولات اجتماعی - اقتصادی)، تحولات زیادی در سنت‌ها و روایات شفاهی موجود به وجود آمده بود، اندکی پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ م (۱۳۵۷ ش) ادبیات در مسیر کاملاً جدیدی قرار گرفت و در واقع از سنت‌های قرن نوزدهم گسیخته شد. البته این گفته را نباید به صورت یک حکم قطعی و عام در نظر گرفت چراکه ممکن است این مطلب در مورد یک‌یا یک نمونه‌های ادبیات عامیانه صدق نکند زیرا احتمال دارد در عین حال که نمونه‌های بسیاری از این‌گونه قصه‌های رایج به مجموعه‌های قبلی اضافه شده‌اند ولی چه بسا در دوره‌های پیشتر چاپ و انتشار برخی از آنها متوقف گردیده است. اما حتی اگر قضیه به این صورت هم بوده باشد شاید بتوان - همچنانکه در صفحات بعد، نشان خواهیم داد - چنین نتیجه‌گیری کرد که ادبیات عامه ایران تا اواسط قرن بیستم کمابیش مشابه ادبیات عامه قرن نوزدهم بوده است.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که در طول دوره قاجار اصطلاح «ادبیات» معنای کاملاً جدیدی پیدا کرده بود، به این صورت که می‌دانیم تا پیش از آن زمان برداشت از واژه «ادبیات» در ایران عمدتاً به مجموعه آثار شعرای برتر ایران اطلاق می‌شد که به‌طور معمول این آثار شعری صرفاً به شکل مجموعه‌های دست‌نوشته در دسترس بود.

اما ورود صنعت چاپ در اوائل قرن نوزدهم میلادی باعث شد تا شکل‌های جدیدی از

چاپ، انتقال و توزیع آثار مکتوب بوجود آید. وجود گسترده‌تر آثار ادبی مکتوب - هرچند هنوز در سطحی محدود - به صورت بالقوه از این توانایی برخوردار گردید که تمامی آثار ادبی را بین جمعیت گسترده‌تری از افراد جامعه منتشر سازد و بدین ترتیب به معنای واقعی کلمه آن آثار را ترویج و توده‌ای کند و این در حالی بود که می‌دانیم تا پیش از آن، این کار صرفاً از طریق بازخوانی یا اجرای شفاهی مطالب موجود در دست نوشته‌ها امکان‌پذیر می‌شد. به هر حال، هر چند بررسی دقیق شرایط عملی این فرآیند تاکنون انجام پذیرفته است ولی تردیدی نیست که ورود صنعت چاپ مفهوم «ادبیات عامه» را نیز دگرگون ساخت. تا پیش از این دوره اشاره به خصوصیت «عامیانه» ادبیات براساس صورت و محتوا شاید امری مفید به حساب می‌آمد، اما برعکس، توزیع گسترده‌تر مطالب مکتوب در دوره قاجار ما را وامی‌دارد تا صفت یا عنوان «ادبیات عامه» را دقیقاً درباره نوع خاصی از ادبیات که به صورت انبوه بوجود می‌آمد به کار گیریم. البته این برداشت پیشینی الزاماً به معنای نفی ادبیات علمی یا آثار تاریخی نیست چراکه احتمال دارد در آن دوره آثار علمی فراوانی به صورت انبوه تولید می‌شده‌اند و چه بسا آن‌گونه آثار نیز همانند هر امر دیگری در میان مخاطبین خاص خود از محبوبیت و مطلوبیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. در هر صورت، اظهارات ما در ادامه این مقاله منحصر به «ادبیات عامه» به مفهوم سنتی ادبیات «عامه مردم» می‌باشد و طبیعتاً این‌گونه ادبیات دارای خصوصیتی روایی - نقلی است. همچنان که می‌دانیم این نوع ادبیات روایی - نقلی اغلب دارای خصلتی شبه تاریخی بوده و از عناصر غیرواقعی، تخیلی و یا جادوئی بهره می‌گرفته است. در صورتی که برعکس ادبیات تاریخی با مضامین یا بن‌مایه‌های (motifs) برگرفته از قصه‌های عامیانه درمی‌آمیزد (Perry 1986/; Leder 1998).

اگر بخواهیم خلاصه مطالبی را که تاکنون طرح کرده‌ایم، بیان کنیم باید گفت که در این مقاله منظور ما از «ادبیات عامه یا عامیانه» آن دسته آثار نقلی - روایی و شبه تاریخی (یا کاملاً تخیلی) است که مکتوب بوده و در ابعاد نسبتاً گسترده‌ای در جامعه منتشر شده‌اند. در مورد کلیات گونه‌های ادبی و موارد خاص آن نیز ناچار باید از رهیافتی مشابه استفاده کرد. می‌دانیم که توزیع گسترده این‌گونه آثار ناگزیر منجر به پیدایش طیف گسترده‌ای از خوانندگان آن آثار می‌شود و طبیعتاً احتمال دارد پس از نقل یا بازگوئی این مطالب، گروه بزرگتری از افراد بیسواد نیز در ردیف مخاطبین آنها قرار گیرند. اما با این همه، هرچند ورود صنعت چاپ به ایران توانائی تولید و گسترش ادبیات عامیانه را به مقدار زیادی افزایش داد ولی شمارگان این آثار در مقایسه با تیراژ هزاران نسخه‌ای امروز رقم قابل ملاحظه‌ای نبود. در حقیقت، در دوره قاجار درصد عمده‌ای از آثار مکتوب به صورت چاپ سنگی عرضه

می‌شد و می‌دانیم که روش چاپ سنگی کمی پیش از پایان قرن هیجدهم اختراع در اروپا و در دهه سوم قرن نوزدهم وارد ایران شد. در آن زمان، وضعیت به گونه‌ای بود که صفحات چاپ شده به روش چاپ سنگی احتمالاً به صورت ۳۰۰ تا ۴۰۰ نسخه از زیر دستگاه بیرون می‌آمد و تقریباً در همان زمان سطح سنگ چاپ ساییده می‌شد و به ناچار می‌بایستی یک بار دیگر از یک نسخه اصلی دیگر چاپی استفاده می‌شد. این امر به نوبه خود ضرورت تولید و آماده ساختن نسخه‌های چاپی اصلی بر روی کاغذ را افزایش می‌داد و در نتیجه استفاده از چاپ جدید یا ویراست جدید مطلب ضرورت می‌یافت.

منابع و مراجع مربوط به ادبیات عامه در دوران قاجار

پیگیری و بررسی وضعیت تولید ادبیات عامه در دوران قاجار به متأسفانه به دلیل کمبود نبود داده‌های مناسب کتاب‌شناختی، اطلاعاتی را در اختیار ما قرار نمی‌دهد. دلیل این امر این است که تا مدت‌ها به علت انجام تحقیقات گسترده در زمینه حوزه پر جاذبه نسخه‌های خطی و دستنویس و (بویژه نسخه‌های خطی مصور) تاریخ چاپ کتاب در ایران مورد بی‌توجهی قرار گرفت و تا آنجا که به آثار چاپی دوران قاجار مربوط می‌شود تمامی منابع کتاب‌شناختی موجود ناقص و ناکارآمد بوده است. به‌علاوه با توجه به همین غفلت و بی‌توجهی، بسیاری از آثار کتبی دوره قاجار یا به لحاظ شکل ظاهری آسیب دیده یا به‌طور کلی از بین رفته‌اند، و البته ناگفته نماند تعداد نسبتاً زیادی از اینگونه آثار کتبی در کتابخانه‌های ایران و نیز کتابخانه‌های چندین کشور اروپائی - از جمله روسیه، انگلیس، فرانسه و آلمان - نگهداری می‌شوند.

افزون بر این، کندوکاو در این‌گونه آثار آسیب دیده و یا سالم موجود، نیز اطلاعات دست اول و بسیار ارزشمندی را در اختیار ما می‌گذارد. به همین دلیل، جای خوشوقتی بسیار است که بسیاری از این‌گونه فهرست‌های مربوط به مجموعه‌های شخصی مانند مجموعه‌های دو تن از پژوهشگران فرانسوی به نام ژول مول (۱۸۷۶) و شارل شفر (۱۸۹۹) بیشتر اطلاعات مربوط به تولید کتاب در دوره قاجار از سوی خاورشناسان غربی و از جمله پژوهشگرانی مانند برنارد فون دورن (Bernard Von Dorn, 1852) و موریتز اشتاینشایدنر (Moritz Steinschneider, 1884) منتشر شده‌اند.

فهرست دورن (Dorn) از «کتابهای چاپ سنگی تهران و تبریز» فهرستی نامنظم و نامرتب است که هیچگونه اطلاعاتی در مورد ویژگی‌های مربوط به آن آثار را در اختیار ما قرار نمی‌دهد، هر چند شناسایی بیشتر کتابهای تهران (۳۵ مورد) و تبریز (۴۸ مورد) به راحتی انجام می‌گیرد ولی ارزیابی میزان رواج و شمارگان منتشره کار فوق‌العاده دشوار است. در حقیقت، تنها

موردی که هم در تهران و هم در تبریز منتشر شده «جوهری» است که نه به عنوان یک کتاب بلکه براساس نام مؤلف آن یعنی میرزا ابراهیم بن محمد جوهری است که اثر پرآوازه خود طوفان البکاء (طوفان اشک) را در سال ۱۲۵۰ ق / ۱۸۳۴ م به پایان رساند. براساس یکی از چاپ‌های بعدی در ۱۲۸۲ ق / ۱۸۶۵ م این کتاب در واقع جزء چندین کتابی بود که آن قدر مکرراً چاپ شده بود که رقم دقیق چاپ‌ها یا شمارگان انتشار آنها حتی در آن زمان نیز مشخص نبود (بعضی از آنها کرارا و مرارا به طبع رسیده که عده آن مشخص و معلوم نیست).

یکی از پژوهشگران، در این راستا از آثاری مانند قرآن، جوهری و زادالمعاد ملامحمد باقر مجلسی نام برده است (نشاط ۱۸۶۵ م / ۱۲۸۲ ق، ۳۴۵). طوفان البکاء که در میان کتابهای ذکر مصائب امام حسین بن علی در کربلا برای شیعیان از برجستگی بسیار خاصی برخوردار بود از نظر محتوا و مضمون همتای مذهبی کتابی معروف از سومادوا (Somadeva) به نام کاتاسریتساگره (Kathasaritsagara) به شمار می‌آید، که می‌دانیم عنوان این کتاب نیز به معنای «اقیانوس قصه‌ها» بوده است و من گمان می‌کنم شباهت بسیار زیادی که بین عناوین این دو اثر وجود دارد بعید است کاملاً تصادفی باشد. فهرست دورن علاوه بر این مورد بسیار شاخص، از چندین کتاب یا در واقع کتابچه دیگر نام برده که بعدها این گونه آثار در ردیف آثار شاخص عامیانه نقلی قرار گرفته‌اند؛ آثاری مانند «نوش آفرین» و «دزد قاضی». بیشتر کتابهای فهرست دورن امروزه در کتابهای سن پترزبورگ یافت می‌شوند که گنجینه کتابهای چاپ سنگی آنجا توسط یکی از پژوهشگران روسی به نام المپیادا پی. شچگلوا (Olimpiada P. Shcheglova) با وسواس و دقت تمام فهرست برداری شده است.

از نظر زمانی، نمونه بعدی عبارت است از فهرست مجموعه کتابهای فارسی یافت شده توسط جولوس فرایهرفون مینوتولی (Julius Freiherr Von Minutoli, 1805-1860) که اهمیت آن به خاطر فهرست بندی و ارائه نمونه‌هایی از تولیدات کتابی دوره قاجار است. این فهرست را بعدها یکی از کتابداران خاورشناس کتابخانه سلطنتی برلن به نام موریتز اشتاینشایدنر منتشر کرد. فهرست اشتاینشایدنر که از نظر وسعت و گستردگی مطالب تا حدودی نیز غرورانگیز می‌باشد در برگیرنده فهرست یکصد اثر است، و هر چند این فهرست نه براساس محتوای مطالب بلکه براساس حروف الفباء تنظیم شده است ولی در هر صورت تعداد زیادی آثار روایی - نقلی را می‌توان به راحتی در آن تشخیص داد. اشتاینشایدنر این آثار را با عناوینی کلی به ترتیب زیر مشخص کرده است، «روایات تاریخی» (Geschichte) (بیدل، گیلانی، حسین کرد، خاورنامه، قصص الانبیاء و...)، «روایات عامه» (Herzaehlung) (مانند ضریر خزاعی و جامع حکایات)، «افسانه‌ها» (Legenden) (مانند هزار مسئله)، «افسانه‌های عامیانه» (Sage)

(مانند اسکندرنامه)، «قصه‌های عامیانه» (marchen) (مانند قهرمان قاتل)، و «قصه‌های حماسی» (Heldengeschichte) (مانند رستم‌نامه، شیرویه). یکی از ویژگی‌های برجسته این کتابها مصور بودن بیشتر آنهاست (هر چند این تصاویر دارای ارزش هنری چندان زیادی نیستند)، و نگارنده این سطور اخیراً با جزئیات تمام به این موضوع پرداخته است (Marzolph 2001).

با توجه به کمبود اطلاعات موثقی که در این مورد با آن روبرو هستیم اکنون جای خوشوقتی بسیار زیاد است که یک فهرست کتاب ایرانی مربوط به آثار منتشره در ایران قرن نوزدهم نیز در اختیار ما قرار گرفته که شاید بتوان آن را کمابیش همتای ایرانی «فهرست ابن ندیم» تلقی کنیم. این فهرست - که اهمیت آن پیش از این از سوی شچگلوا (۱۹۷۹/۱۵۷) و فرید قاسمی (۲۰۰۰/۱۳۷۹) مورد تاکید قرار گرفته - به صورت ضمیمه چاپ ۸۲-۱۲۸۱ ق / ۱۸۶۴-۶۵ م «کتاب گنجینه» (Sheheglowa 1898, no 554) بوده و مجموعه‌ای از مصنفات میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط (در گذشته به سال ۱۲۴۴ ق / ۱۸۲۸ م) را دربرمی‌گیرد، و به رسم آثار چاپی سال‌های آغازین صنعت چاپ در ایران است. متن این کتاب - که البته ما در این گفتار به این موضوع نخواهیم پرداخت - حاوی شکوایه‌ای دراز دامن درباره کیفیت ضعیف تولید و چاپ کتاب در آن زمان است؛ وضعیتی که به ادعای نویسنده آن نتیجه‌ای جز پیدایش آثار و متون بی‌ارزش و پر از اشکال و ایراد ندارد. استفاده از این‌گونه شکوه‌ها و گلایه‌ها در کتاب‌های چاپی آن دوره پدیده بسیار رایج، و در عین حال موجهی، بوده است چراکه عرضه چاپ‌های آبرومند کتاب‌های چاپ سنگی تا حدود زیادی در گرو توانایی افرادی بود که متن دستنویس اصلی را به متن نهائی تبدیل می‌کردند. افزون بر این، برای فراهم ساختن نسخه اصلی و دقیق متن مورد نظر، نیاز به نسخه‌پردازان صاحب صلاحیت بود، اما به نظر می‌رسد عملی کردن این‌گونه همکاری بین این‌گونه پیشه‌وران کار دشواری بوده است. به همین دلیل است که مصحح در همان نخستین صفحه اثر این نکته را یادآور می‌شود که نسخه حاضر با سعی و کوشش فراوان تصحیح گردیده است و این در حالی بود که خطاط اثر که با نام علی اصغر تفرشی امضا کرده از نسخه‌پردازان با تجربه‌ای بوده که بین سالهای ۱۲۶۱ و ۱۲۸۸ به مدت بیش از بیست و پنج سال به این کار اشتغال داشته است (Cf. Marzolph 2001, 261). برای درک انگیزه ناشر از ارائه فهرست کتابهای فارسی چاپ شده تا زمان او بهتر است به احساس غرور اولیه وی توجه کنیم که خود را کسی می‌دانسته که توانسته یک چاپ نمونه و پیراسته از این اثر به جامعه عرضه کند، ولی در مورد ناشر اثر، یعنی حاجی موسی تاجر تهرانی، متأسفانه باز هم به جز ذکر نام او اطلاعات دیگری در دست نیست.

حاجی موسی پس از شرح شکایت از کیفیت نامناسب چاپهای قبلی کتاب و پس از تحسین

و تجلیل از ابتکار عمل خود، بار دیگر پس از گلایه از کاستی‌های اطلاعاتی درباره کتابهای چاپ شده در ایران، فهرست مورد نظر خود را ارائه می‌کند. این ضمیمه و صفحه آخر آن حاوی یک صفحه انتقاد از کتابهای قبلی و قول تلاش برای اصلاح کیفیت آن نوع کتابهای چاپی است. این ضمیمه همچنین حاوی یک فهرست سه صفحه‌ای از تعدادی کتاب چاپی است که یا در سال ۱۲۸۲ ق / ۱۸۶۵ م موجود بوده و یا قبل از آن تاریخ به چاپ رسیده و منتشر گردیده‌اند. من قبل از بحث مفصل این فهرست، بیان چند نکته مقدماتی را ضروری می‌دانم. نکته اول اینکه هرچند صنعت چاپ، چه به صورت چاپ سربی و چه به صورت چاپ سنگی، در ایران موجود و شناخته شده بوده ولی مؤلف یا گردآورنده این فهرست از نظر نوع چاپ آثار، تمایزی بین این دو شکل متفاوت چاپ قائل نشده است؛ دو اصطلاح مورد استفاده مؤلف در متن مقدمه فهرست عبارتند از واژه ترکی «باسمه» و واژه عربی «طبع».

البته واژه طبع می‌تواند هم به معنای چاپ سربی و هم به نحو دیگری باشد در حالی که در عبارت آخر بسیاری از مجلات بدون ارائه توضیحات بیشتر از «انطباع یافته» استفاده شده است. از سوی دیگر، هرچند چاپ سربی پیش از چاپ سنگی در ایران وارد شده ولی تا حدود یکی دو دهه از چاپ سربی استفاده شایانی می‌شده است، و در واقع از آخرین کتابهای قدیمی چاپ شده به روش چاپ سربی می‌توان از چاپ ۱۲۷۲ ق / ۱۸۵۵ م «طوفان البکاء جوهری» نام برد. از آنجا که تعداد کتابهای چاپ شده به روش چاپ سربی فقط به پنجاه نسخه بالغ می‌شد (Marzolph 2001, 13) در نتیجه به راحتی می‌توان تصور کرد که اکثر آثار مذکور در این فهرست به روش چاپ سنگی منتشر گردیده‌اند.

نکته دوم اینکه باید متذکر شوم این فهرست فقط نام کتابها (یا مؤلفان کتابها) را ذکر کرده ولی از زمان چاپ، مکان چاپ، ابعاد یا تعداد جلدها یا نسخه‌ها و... خبری نیست. در هر صورت این سند، سندی است که آثار مندرج را از دیدگاهی سنتی و براساس حوزه تخصصی (یا اصطلاحاً به روش موضوعی) دسته‌بندی کرده است.

فهرست کتابهای چاپی حاجی موسی

فهرست تدوین شده توسط حاجی موسی در مجموع دربرگیرنده ۳۲۰ کتاب فارسی و ۱۴ کتاب عربی است. در این فهرست، پس از نام کتابها و کتابچه‌های مرتبط با فقه، اصول و تفسیر قرآن، با عناوین بسیار گسترده کتب مرتبط با علوم غیر مذهبی مانند فرهنگ‌های لغت، کتابهای تاریخی، پزشکی، فلسفی و صرف نحو عربی برخورد می‌کنیم. بخش‌های آخر این فهرست، با کتابهای مربوط به جغرافیا، تعبیر خواب و دیگر آثار تربیتی و ادبیات سرگرم‌کننده سروکار دارد

و در مورد موضوع ادبیات عامه بایستی بویژه به همین بخش‌ها مراجعه کرد. تقسیم‌بندی منابع مذکور در این بخش با عناوینی به ترتیب زیر صورت گرفته است:

- کتب احادیث و اخبار و غیره؛ این تنها بخش فهرست است که در آن منابع فارسی (سی مورد) از منابع عربی (چهارده مورد) مجزا شده‌اند.

- کتب ادعیه و غیره که خود به دو دسته تقسیم شده است.

الف - کتب ادعیه (۱۴ مورد)

ب - کتب مصیبت‌نامه که عمدتاً به شرح ماجراهای مصیبت بار امام حسین (ع) و یاران وی در کربلا پرداخته‌اند (۱۸ مورد)

- دیوان‌هایی که دربرگیرنده عناوین ۳۲ دیوان شعری است.

- قصص و حکایات (۱۱ مورد)

- بچه خوانی (قصه و داستانهای کودکان)

به استثنای کتب بخش دوم (کتب ادعیه و غیره) و چهارم (دیوانات)، آثار بخش‌های دیگر فهرست را می‌توان عمدتاً جزء آثار روائی - نقلی به شمار آورد. دسته اول آثار مندرج در این فهرست حاوی تعدادی آثار معروف داستانی است که هم از نظر محتوا و هم به لحاظ میزان رواج آنها در بین طبقات مختلف جامعه می‌توانیم به درستی آنها را جزء آثار ادبیات عامه تلقی کنیم، مثلاً آثاری مانند «جامع المعجزات» (اقاصبور)، «قصص الانبیاء» (ملا محمد جوینی) و «اخلاق محسنی» (حسین بن علی واعظ کاشفی). البته ما به ناچار کتب مربوط به این دسته را از موضوع بحث خویش خارج می‌کنیم چرا که بیشتر آثار این دسته نه در دسترس نگارنده این سطورند و نه به طریق اولی قابل نقد و بررسی. ولی در هر صورت هم به منظور مستندسازی اظهارات ما در مورد آثار مذکور در این فهرست برای پژوهشگران بعدی، و هم به منظور کمک به علاقه‌مندانی که ممکن است به این فهرست دسترسی نداشته باشند، فهرست سی مورد از آثار مندرج در بخش فارسی با عنوان «کتب احادیث و اخبار و غیره» را به شرح زیر ذکر می‌کنیم:

هدایت القلوب، عین‌الحیاء، جلاء العیون، حلیة المتّقین، ابواب الجنّة، زیادة المعارف، زیادة التّصانیف، معراج‌العالیه (?)، تحفة المجالس، سراج القلوب، حدیث قدس، شرح اربعین، کفایة الخصام، حدیقة الشیعه، عقاید الشیعه، تذکرة الائمة، اختیارة، جامع المعجزات، خلاصة الاخبار، اسرار الصلاة، سیف الائمة، نورالانوار، تحفة الملوک، جامع عباسی، قصص الانبیاء، ارشادالعلوم، اخلاق محسن (ی)، ترجمه نهج البلاغه، دلیل البحرین و آداب الشریعه.

حال اجازه دهید پیش از پرداختن به ارزیابی کلیت این فهرست، ابتدا کتابهای مندرج در دیگر بخش‌های فهرست را به تفصیل معرفی کنیم.

کتاب مصیبت نامه

- ریاض الشهاده (الذریعه جلد ۱۱ شماره ۱۹۷۱؛ فهرست: ستون ۱۸۰۹) = ریاض الشهاده و کنوز السعاده فی مناقب السعاده و مصائب الغرر الميامین القاده [فهرست: فی ذکر مصائب السعاده]، مؤلف مولا محمد حسن بن حاج محمد معصوم قزوینی حائری (در گذشت ۱۲۴۰ ق ج ۱۸۲۴ م)؛ چاپ ۱۲۷۴ (بمبئی).
- ماتمکده (الذریعه جلد ۱۹، شماره ۷۱؛ فهرست: ستون ۲۸۴۱)، مؤلف قریان بن رمضان قزوینی رودباری «بیدل» (قرن سیزدهم قمری / نوزدهم میلادی)؛ چاپ ۱۲۶۶، ۱۲۷۰ (کلکته)، ۱۲۷۴، ۱۲۷۷.
- لسان الواعظین (الذریعه جلد ۱۸، شماره ۲۵۵؛ فهرست، ستون ۲۸۰۷)، مؤلف محمد علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن غلامعلی نجفی کاظمی اسدی (تاریخ تقریبی اتمام اثر ۱۲۶۰ ق / ۱۸۴۳ م)؛ چاپ ۱۲۶۲ ق (هند)، ۱۲۷۰ (هند).
- مجالس المتقین (الذریعه جلد ۱۹، شماره ۱۶۲۶؛ فهرست: ستون ۲۸۹۱ به بعد)، مؤلف ملامحمد تقی بن محمد برغانی قزوینی «شهید ثالث» (اتمام اثر ۱۲۵۸ ق / ۱۸۴۲ م)؛ چاپ ۱۲۶۳، ۱۲۶۶، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۵، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱.
- جوهری (الذریعه جلد ۱۵، شماره ۱۲۰۸؛ فهرست: ستون ۲۲۶۹؛ بابازاده ۱۹۹۹: شماره ۱۸) = «طوفان البکاء» مؤلف میرزا ابراهیم بن محمد باقر جوهری (اتمام اثر ۱۲۵۰ ق / ۱۸۳۴)؛ چاپ ۱۲۵۸، ۱۲۶۰، ۱۲۶۳، ۱۲۶۹، ۱۲۷۱، ۱۲۷۱، ۱۲۷۳، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۷، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱.
- بیت الاحزان (الذریعه جلد ۲: شماره ۶۵۸؛ فهرست: ستون ۵۵۳؛ Edwards 14922: Col21) = بیت الاحزان فی مصائب سادات الزمان الخمسه الطاهره من ولد عدنان، مؤلف عبدالخالق بن عبدالرحیم الیزدی المشهدی (در گذشته به سال ۱۲۶۸)؛ چاپ ۱۲۷۵.
- مهیج الاحزان (الذریعه جلد ۲۳: شماره ۹۰۵۷؛ فهرست: ستون ۳۱۹۶ به بعد)، مؤلف مولا حسن محمد یزدی حائری (اتمام اثر ۱۲۷۳ ق / ۱۸۲۱ م)؛ چاپ ۱۲۶۳، ۱۲۷۵، ۱۲۷۷.
- حمله ملابمونعلی (الذریعه: شماره ۴۲۷؛ فهرست: ستون ۱۲۲۳) = حمله حیدریه، مؤلف مولا بمانعلی (بمونعلی) راجی کرمانی (دوران زندگی اوائل قرن سیزدهم قمری / نوزدهم میلادی)؛ چاپ ۱۲۶۴، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۷.
- کنزالمصائب (الذریعه جلد ۱۸: شماره ۱۶۶؛ فهرست: ستون ۲۶۸۸)، مؤلف میرزا محمد ابراهیم الاصفهانی «ساغر» (در گذشته به سال ۱۳۰۲ ق)؛ چاپ ۱۲۷۴ (بمبئی).
- مخزن البکاء (الذریعه جلد ۲۰: شماره ۲۶۸۵؛ فهرست: ستون ۲۹۶۲)، مؤلف ملا محمد صالح بن احمد برغانی قزوینی (اتمام اثر ۱۲۶۱ ق / ۱۸۴۵ م)؛ چاپ ۱۷۲۹.

- بیدل = ماتمکده (نگاه کنید به بالا).

- مختارنامه (الذریعه جلد ۱۱: شماره ۱۸۰۴؛ فهرست: بیستون ۲۹۵۳) =
روضه‌المجاهدین، مؤلف عطاالله بن حسام واعظ هروی (اتمام اثر ۹۸۱ ق / ۱۵۷۳ م)؛ چاپ
۱۲۶۱ ق.

- مصیبت نامه (فهرست: ستون ۳۰۱۴)؛ مؤلف ناشناس؛ چاپ ۱۲۶۵، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱.
- عمّان البكاء (الذریعه جلد ۱۵: شماره ۲۱۴۷؛ فهرست: ستون ۲۳۴۶)، مؤلف عمانی؛
چاپ ۱۲۷۶ ق.

- حزن المؤمنین (الذریعه جلد ۶، شماره ۲۴۷۳؛ فهرست: ستون ۱۱۶۶) = حزن المؤمنین
فی مرآتی الخاتم المرسلین و مصائب آل طه و یاسین؛ مؤلف محمد علی بن موسی بن جعفر بن
محمود بن غلامعلی نجفی کاظمی اسدی (اتمام اثر ۱۲۵۵ ق / ۱۸۳۹ م)؛ چاپ ۱۲۶۰ ق
(بمبئی).

- سرباز - اسرار الشهاده.

- یوسفیه (الذریعه جلد ۲۵: شماره ۲۴۲؛ فهرست: بیستون ۳۴۶۱)، مؤلف میرزا هادی بن
ابوالحسن نائینی (اتمام اثر ۱۲۴۳ ق / ۱۸۲۷ م)؛ چاپ ۱۲۶۱، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۸۱.
- فرهنگ خداپرستی (الذریعه جلد ۱۶: شماره ۶۹۴؛ فهرست: ستون ۲۴۲۵: Schefer
1899: no. 654)، مؤلف لسان الحق عبدالوهاب بن محمد علی محرم یزدی (اتمام اثر ۱۲۷۶ ق
/ ۱۸۵۹ م)، چاپ ۱۲۷۶، ۱۲۸۱.

- تحفة الذاکرین (الذریعه جلد ۲: شماره ۱۵۶۸؛ فهرست: ستون ۷۹۹)، مؤلف محمد بن
علی محمد چلابی مازندرانی «بیدل» کرمانشاهی (اتمام اثر ۱۲۵۰ ق / ۱۸۳۴ م)؛ چاپ (۱۲۸۰).
- اسرار الشهاده (الذریعه جلد ۲، ۱۸۵؛ فهرست: ستون ۲۰۳)، مؤلف اسماعیل خان سرباز
بروجردی (اوائل قرن سیزدهم هجری قمری / نوزدهم میلادی)؛ چاپ ۱۲۶۸، ۱۲۷۴،
۱۲۷۷، ۱۲۷۹.

- مخزن = مخزن البكاء (?).

قصص و حکایات

- اسکندرنامه (فهرست: ستون ۲۱۴)؛ چاپ ۷۴-۱۲۷۳.

- الف لیلہ (الذریعه جلد ۲: شماره ۱۱۸۹؛ فهرست: ستون ۳۱۹)، ترجمه فارسی از عربی،
توسط عبداللطیف طسوجی و میرزا سروش (اتمام اثر ۱۲۵۹ ق / ۱۸۴۳ م)؛ چاپ ۶۱-۱۲۵۹،
۱۲۷۲، ۱۲۷۵.

- رموز حمزه (الذریعه جلد ۱۱، شماره ۱۵۴۰؛ فهرست: ستون ۱۷۴۷)؛ چاپ ۷۶-۱۲۷۴.



- انوار سهیلی (الذریعه جلد ۲: شماره ۱۶۹۲؛ فهرست: ستون ۳۸۹-۳۸۶)، مؤلف حسین بن علی واعظ کاشفی (درگذشته به سال ۹۱۰ ق / ۱۵۰۴ م)؛ چاپ ۱۲۶۳، ۱۲۶۷، ۱۲۷۴، ۱۲۸۱.

- جامع التمثیل (الذریعه جلد ۵: شماره ۱۸۱؛ فهرست: ستون ۹۸۸ به بعد)، مؤلف محمدعلی حبله رودی (اتمام اثر ۱۰۵۴ ق / ۱۶۴۴ م)؛ چاپ ۱۲۶۹، ۱۳۷۳، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۸۰.
- عجائب المخلوقات (الذریعه جلد ۱۵: شماره ۱۴۴۴؛ فهرست: ستون ۲۲۹۰)، متن فارسی از روی نسخه عربی توسط محمدبن زکریا القزوینی (درگذشته به سال ۶۸۲ ق / ۱۲۸۳ م)، چاپ ۱۲۶۴.

- شمس قهقهه (الذریعه جلد ۱۴: ۲۳۰۳؛ فهرست: ستون ۲۹۴۲ به بعد) = محبوب القلوب، مؤلف برخوردار بن محمود ترکمانی فراهی «ممتاز» (قرن یازدهم قمری / هفدهم میلادی)؛ چاپ ۱۲۶۷ (بمبئی).

فرس نامه (Shcheglova 1975: no 1891; Edwards 1922: col 206)؛ چاپ ۱۲۷۹.

- جنگ نامه هراة [؟، مشخصات کتاب شناختی نامعلوم]

- منتخب الف لیلہ (Edwards 1922: col. 129)؛ چاپ ۱۲۸۰.

- رستم نامه (فهرست: ستون ۱۷۲۹)؛ چاپ ۱۲۷۹.

بچه خوانی ها

- حسین کرد (فهرست: ستون ۱۱۷۵)؛ چاپ ۱۲۶۵، ۱۲۷۶، ۱۲۸۰.

- نوش آفرین (فهرست: ستون ۳۳۲۷)؛ چاپ ۱۲۶۳، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۸، ۱۲۷۳.

- خاورنامه (فهرست: ستون ۱۲۴۸)؛ چاپ ۱۲۷۵، ۱۲۸۰.

- ناز و نیاز (فهرست: ستون ۳۲۱۸)؛ چاپ ۱۲۷۵.

- بهرام گلندام (فهرست: ۵۴۳) = بهرام و گلندام؛ چاپ ۱۲۷۰.

- موش و گربه (فهرست: ستون ۳۱۸۷؛ Scheffer 1899: no) = موش و گربه، به تقلید از

عیید زاکانی؛ چاپ ۱۲۶۶.

- لیلی و مجنون (فهرست: ستون ۲۸۲۲ به بعد) = لیلی و مجنون، مؤلف مکتبی شیرازی

(اتمام اثر ۱۴۸۹ / ۱۸۹۵ م)؛ چاپ ۱۲۵۹، ۱۲۶۲، ۱۲۷۰، ۱۲۷۶.

- شیرین و فرهاد (الذریعه جلد ۱۴: شماره ۲۵۴۳؛ فهرست: ستون ۲۱۹۱، ۲۴۱۳) =

شیرین و فرهاد، مؤلف ملا وحشی بافقی (درگذشته به سال ۹۹۱ ق / ۱۵۸۳ م)؛ تکمیل شده

توسط میرزا محمد شفیع وصال شیرازی (درگذشته به سال ۱۲۶۲ ق / ۱۸۴۶ م)؛ چاپ

۱۲۶۳، ۱۲۶۷، ۱۲۸۱.

- دله مختار (الذریعه جلد ۸: شماره ۱۰۶۱؛ فهرست: ستون ۱۴۵۲)؛ چاپ ۱۲۶۳.
- دزد قاضی (الذریعه جلد ۸: شماره ۵۸۵؛ فهرست: ستون ۱۴۱۲) = دزد و قاضی؛ چاپ ۱۲۶۲، حدوداً ۱۲۶۵، ۱۲۷۴.
- رعنا و زیبا (الذریعه جلد ۱۱: شماره ۱۴۷۱؛ فهرست: ستون ۱۷۶۳؛ Scheffer 1899: no. 906)، فصل آخر «محبوب القلوب» = شمس و قهقهه، نگاه کنید به بالا؛ مؤلف برخوردار بن محمود ترکمانی فراهی «ممتاز» (قرن یازدهم قمری / هیجدهم میلادی)؛ چاپ ۱۲۶۴.
- خزان بهار (الذریعه جلد ۷: شماره ۸۲۳؛ فهرست: ستون ۱۲۶۳) = خزان و بهار، مؤلف محمد شریف بن شمس‌الدین محمد مازندرانی (همچنین مؤلف سراج المنیر، نگاه کنید به پایین)؛ چاپ ۱۲۶۳، ۱۲۷۱، ۱۲۷۶.
- نصاب ترکی (الذریعه جلد ۲۴: شماره ۸۴۴) = نصاب ترکی به فارسی، مؤلف میرزا علی (بن) مصطفی البادکوبه (ای)؛ همچنین مؤلف تجرید اللغات (الذریعه جلد ۳: شماره ۳۵۵)، اتمام اثر در ۱۲۶۴ ق / ۱۸۴۸ م (و چاپ در ۱۲۸۶ ق / ۱۸۶۹ م)؛ چاپ‌های قبل از ۱۲۸۲ شناسائی نشد.
- هفت کتاب (Shcheglova 1975: nos. 1575-1579)؛ از چاپ‌های قبل از سال ۱۲۸۲ ق موردی شناخته نشد.
- گلشن عطارد [شناخته نشد]
- کلستان ارم (الذریعه جلد ۱۸: شماره ۹۶؛ فهرست: ستون ۵۱۲) = بکناش نامه مؤلف رضاقلی خان هدایت (درگذشته به سال ۱۲۸۸ ق / ۱۸۷۱ م)؛ چاپ ۱۲۷۰.
- رند و زاهد (فهرست: ستون ۱۷۵۰)، مؤلف محمد بن سلیمان فضولی (در گذشته به سال ۹۶۳ ق / ۱۵۵۶ م)؛ چاپ ۱۲۷۵.
- چهل طوطی (الذریعه جلد ۵: شماره ۱۵۰۸؛ فهرست: شماره ۱۱۳۳ به بعد)؛ چاپ ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۸، ۱۲۷۴.
- ضریب خزاعی؛ چاپ ۱۲۶۵، ۱۲۶۸، ۱۲۷۰.
- معراج نامه (فهرست: ستون ۳۰۵۱ به بعد)، مؤلف شجاعی (قرن سیزدهم هجری / نوزدهم میلادی)؛ چاپ ۱۲۶۷، ۱۲۷۱، ۱۲۷۶.
- هدیات بیگ (فهرست: ستون ۱۳۲۷)؛ هیچگونه چاپ قبل از ۱۲۸۲ شناخته نشد.
- توبه نصح [قصه منظوم اخلاقی معروفی که برگرفته از مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی است]؛ هیچگونه چاپ قبل از ۱۲۸۲ شناخته نشد.



- کثوم ننه (فهرست: ستون ۲۶۵۰؛ Scheffer 1899: no. 892) = عقاید النساء، مؤلف جمال‌الدین محمد بن حسین الخوانساری (درگذشته حدوداً به سال ۱۱۱۵ ق / ۱۷۰۳ م)؛ چاپ ۱۲۶۲.

- محمد حنفیه = جنگ نامه محمد حنفیه؛ چاپ ۱۲۶۸.

- یوسف زلیخا (الذریعه جلد ۲۵: شماره ۱۹۶؛ فهرست: ستون ۳۴۶۰) = یوسف و زلیخا،

اغلب به فردوسی منسوب دانسته‌اند؛ چاپ ۱۲۷۱، ۱۲۷۹.

- جواهر العقول (الذریعه جلد ۵: شماره ۱۲۸۴؛ فهرست: ستون ۱۰۷۷؛

Scheffer 1899: no. 801)، منسوب به ملامحمد باقر بن محمد تقی مجلسی (درگذشته به سال

۱۱۱۱ ق / ۱۶۹۹ م) چاپ ۱۲۶۵، ۱۲۸۰.

- شیرویه (فهرست: ستون ۱۳۲۹) = کتاب شیرویه نامدار؛ چاپ ۱۲۷۱، ۱۲۷۵.

- قهرمان (فهرست: ستون ۲۵۷۳) = قهرمان قاتل؛ چاپ ۱۲۷۰، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶،

۱۲۷۷، ۱۲۸۰.

- هرمز (فهرست: ستون ۲۰۸۰) = شاهزاده هرمز و گل؛ چاپ ۱۲۶۳.

- هزار مسئله (Bertels 1934,88f / Steinschneider 1884, 317) = جامع الحکایات؛ چاپ

بدون تاریخ.

- چهار درویش؛ چاپ ۱۲۷۵.

- سراج المنیر (الذریعه جلد ۱۲: شماره ۱۰۸۱؛ فهرست: ۱۹۵۳)؛ مؤلف محمد شریف بن

شمس‌الدین محمد مازندرانی (تاریخ تقریبی اتمام اثر ۱۰۳۰ ق / ۱۶۲۰ م)؛ چاپ ۱۲۶۰،

۱۲۶۵، ۱۲۷۰.

- احمد جولا (Scheffer 1899: no. 730)؛ هیچگونه چاپ قبل از ۱۲۸۲ شناخته نشد.

* * *

فهرست حاجی موسی رامی توان از جنبه‌های گوناگون ارزیابی کرد. به عنوان مثال، از جنبه زبانی می‌توان با جزئیات تمام به ویژگی‌هایی مانند «جامعیت» یا «تناسب دسته‌بندی»‌ها توجه کرد. در این مورد کاملاً پیداست که موضوع «قالب اثر» (اینکه آیا اثر منثور است یا منظوم) به عنوان یک معیار برجسته و معنادار مدنظر قرار نگرفته چرا که هم بخش مصیبت‌نامه و هم بخش بچه‌خوانی هر دو هم حاوی آثار منثورند و هم منظوم، علاوه بر این، کاربرد و اطلاق عناوین مختلف به صورت مطلق انگارانه صورت نگرفته است.

در بخش دیوانات (دیوانهای شعری) علاوه بر آثار روایی منظوم مانند «طاق‌دیس» (الذریعه جلد ۱۵: شماره ۸۹۴؛ فهرست: ستون ۲۲۶۴، ۲۸۰۶) که حاوی قصه‌های منظوم اخلاقی

تألیف احمد بن محمد مهدی نراقی (درگذشته به سال ۱۲۴۴ ق / ۱۸۲۸ م؛ چاپ ۱۲۷۱، ۱۲۸۰) است، حاجی موسی خواه به اشتباه و خواه به عمد، «ریاض المحبین» (الذریعه جلد ۱۱: شماره ۱۹۹۴؛ فهرست: ستون ۱۸۱۰) را نیز گنجانده است، در حالی که می‌دانیم این کتاب مجموعه‌ای است از قصه‌های منثور اخلاقی مرتبط با شهدا که رضاقلی خان بن محمد هادی هدایت (درگذشته به سال ۱۲۸۸ ق / ۱۸۷۱ م) به رشته تحریر درآورده است و بهتر بود مؤلف فهرست، این اثر را در ردیف «بچه‌خوانی‌ها» قرار می‌داد.

علاوه بر این، تعداد دیگری از آثار مندرج در این فهرست باید در بخش‌های دیگری جای داده می‌شدند؛ به‌عنوان مثال «هزار مسئله» از مصنفات فقهی کسی به نام ابونصر سعد بن العطان که جزء فهرست «بچه‌خوانی‌ها» قرار گرفته بهتر بود زیر مجموعه «کتب احادیث» قرار می‌گرفت. «جنگ نامه هراة» (البته اگر برداشت ما از محتوای ناشناخته اثر درست باشد) زیر مجموعه «قصص و حکایات» قرار گرفته، در صورتی که بهتر بود زیر مجموعه «مصیبت‌نامه‌ها» قرار داده می‌شد. «عجائب المخلوقات» و «فرس نامه» نیز علی‌رغم ماهیت روایی آنها در واقع بایستی جزء آثار جدی تاریخ طبیعی محسوب شوند و ترجیحاً بهتر بود زیرمجموعه «متفرقه / و غیره» قرار می‌گرفتند.

ما پیش از این، به عدم وجود تمایز بین کتابهای چاپ شده به روش چاپ سربی و آثار چاپ شده به روش چاپ سنگی اشاره کردیم، ولی با توجه به اینکه در بحث فعلی، این موضوع اهمیت چندانی ندارد فقط یک نکته را یادآور می‌شویم و آن اینکه فقط تعداد اندکی از کتابهای مندرج در فهرست حاجی موسی که پیش از سال ۱۲۷۲ منتشر شده بودند به روش چاپ انتشار یافته بوده‌اند. در واقع، حتی یک مورد هم از ادبیات روائی - داستانی سرگرم کننده به روش چاپ منتشر نشده بود. این امر احتمالاً بیانگر هزینه هنگفت چاپ کتب به روش چاپ است، و ظاهراً به همین دلیل بوده که از این روش صرفاً برای چاپ و نشر کتابهای جدی (و بویژه کتابهای مذهبی) استفاده می‌شد. عرضه آثار داستانی سرگرم کننده و فاقد ارزش‌های اخلاقی مستتر در «روضة خوانی‌ها» فقط پس از ورود روش چاپ سنگی امکان‌پذیر گردید چرا که این روش هزینه‌های نسبتاً کمتری به متقاضیان تحمیل می‌کرد.

البته می‌توان اشکالات و ایراداتی را نیز به این فهرست وارد کرد و مثلاً آن را ناقص تلقی کرد چرا که از پاره‌ای آثار مشهور «بچه‌خوانی» (نگاه کنید به Marzolph 2001: 236,250,261,263) مانند آثار زیر در آن خبری نیست؛

«حکایت خسرو دیوزاد» (چاپ ۱۲۶۴ و ۱۲۷۰ ق)، «بخیارنامه» (فهرست: ستون ۵۴۳؛ چاپ ۱۲۶۳ و ۱۲۷۹)، «سلیم جواهری» (چاپ اول ۱۲۷۱ ق)، و «یا قصه سلیمان» (و به دنبال آن

«قصه موسی»؛ چاپ مشترک ۱۲۶۶ و ۱۲۷۳ ق). بخش زیر مجموعه «احادیث و اخبار» نیز می‌توانست آثاری مانند «اخبارنامه» (Scheffer 1899: no.732, Shcheglova 1975: no.1920) که در تاریخ ۱۲۶۷ ق به چاپ رسید را در خود داشته باشد چراکه می‌دانیم این اثر در حقیقت منظومه‌ای به سبک آثار «قصص الانبیاء» بود. عدم وجود آثاری از این قبیل مایه شگفتی است چراکه پاره‌ای آثار ادبیات عامه (که در حال حاضر فقط چاپ متأخر آنها در دسترس است) احتمالاً در زمان تدوین فهرست حاجی موسی به صورت چاپ‌های متقدم‌تر نیز وجود داشته‌اند. از میان این‌گونه آثار می‌توان از آثاری مانند «کلیله و دمنه» ابوالمعالی نصرالله منشی (چاپ اول ۱۲۸۲ ق) نام برد که قصص منظومی مانند آثاری را که نام می‌بریم در خود جای داده‌اند: «شنگول و منگول» (چاپ اول حدوداً در ۱۳۰۰ ق) «خاله قورباغه» (چاپ‌های اول ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ ق)، «خاله سوسکه» (چاپ ۱۲۹۹ ق و ۱۳۰۷ ق)، «خروس و روباه» (چاپ اول ۱۲۹۹ ق)، و همچنین مجموعه طنزهایی مانند «لطائف و ظرائف» (چاپ اول ۱۲۹۵ و ۱۲۹۸ ق) یا «حکایات ملا نصرالدین» (چاپ اول ۱۲۹۹ ق؛ Marzolph 1995, 167).

اما در هر حال اگر از این انتقادات صرف‌نظر کنیم به نظر می‌رسد فهرست حاجی موسی می‌تواند تصویر نسبتاً مناسبی از گستره و عناوین ادبیات عامه موجود در ایران اواسط قرن نوزدهم را در اختیار ما قرار دهد، و گرچه بحث در مورد یکایک آثار مندرج در این فهرست در حوصله این مقال نیست اما دست کم می‌توان گرایش‌های عمده مشهور در مورد هر یک از تقسیمات سه‌گانه آن را به شرح زیر برشمرد:

در مورد آثار مندرج در دسته اول فهرست باید در نظر داشت که کثرت و تنوع آن آثار در حقیقت از گستردگی عمومی توجه عامه مردم اوائل دوره قاجار به واقعه کربلا نشأت می‌گرفت. اعتقاد عمومی بر این است که در آن دوران مراسم عزاداری ماه محرم از طریق تلفیق حرکت دسته‌های عزادار با روضه‌خوانی‌های ثابت رفته رفته به شکل نمایش «تعزیه‌خوانی» درآمد (Chelkowski 1979، همایونی ۱۳۶۸ ش؛ Fontana 1994). منظور از «تعزیه‌خوانی» که عموماً با اصطلاح عام «روضه‌خوانی» شناخته می‌شود اشاره به ذکر شفاهی قصه‌های برگرفته از کتاب «روضه‌الشهدا» می‌باشد که از تالیفات حسین بن واعظ کاشفی (درگذشته به سال ۹۱۰ ق / ۱۵۰۴ م) به شمار می‌آید. در حالی که این اثر ظاهراً تا پیش از سال ۱۲۸۵ ق به چاپ نرسیده بود (فهرست: ستون ۱۷۹۰؛ Shcheglova: no. 169) ولی نوع این‌گونه موسوم به «مرثیه» (گریه و زاری) یا «مقتل» (قصه‌ای از یک صحنه رزم) ظاهراً در بین بسیاری از نویسندگان شیعی مذهب آن زمان شناخته شده و رایج بوده است. در واقع، به استثناء «مختارنامه» (متعلق به قرن شانزدهم میلادی / حدوداً هشتم قمری) تمامی دیگر آثار مذکور در این دسته کمابیش در نیمه

نخست قرن نوزدهم به رشته تحریر درآمده بودند و در واقع برخی از این کتابها از آنچنان معروفیتی برخوردار شده بودند که حتی کتاب تالیف شده با نام مؤلف شناخته می‌شود (مانند «جوهری»، «بیدل» و «سرباز») در حالیکه شناخته شده‌ترین این آثار عامیانه، یعنی «طوفان البکاء» جوهری در دوره مورد نظر ما تقریباً ده دوازده بار تجدید چاپ شد و تا امروز نیز به صورت چاپهای ارزان قیمت در بازارهای ایران یافت می‌شود. وقایع متعدد و دردآور واقعه کربلا هیچگاه تاکنون به‌طور مفصل مورد بررسی قرار نگرفته‌اند اما تردیدی نیست که شیعیان ایران هنوز هم با این رویدادها آشنائی دارند و به راحتی و سریعاً وقایع مهمی همچون وداع امام حسین، شهادت علی اکبر، و تلاش نافرجام حضرت ابوالفضل برای آب رساندن به جنگاوران تشنه کام همراه امام حسین را به یاد می‌آورند.

علاوه بر این، نقل شفاهی و نیز روایت از روی منابع مکتوب هم توانسته‌اند از طریق نمایش عینی این رویدادهای تلخ به ترویج آنها در میان مردم کمک کنند. از جمله این روش‌های نقل عینی می‌توان از نقالی براساس نقاشی‌های آبرنگ معروف به «نقاشی قهوه‌خانه‌ای» (سیف، ۱۳۶۹ ش) و کاشی کاری‌های مصور برخی تکایا و حسینیه‌ها مانند «حسینیه مشیر» شیراز (همایونی، ۲۵۳۵ شاهنشاهی / ۱۳۵۵ ش) نام برد. نکته دیگری که شایسته یادآوری است این است که تعداد قابل ملاحظه‌ای از کتابهای بخش «مصیبت‌نامه‌ها» مانند «ریاض الشهداء»، «ماتمکده»، «لسان الواعظین»، «کنز المصائب» و بسیاری از چاپهای متأخرتر «روضه الشهداء» در هندوستان به چاپ رسیده‌اند. درباره دلیل این امر مطالعه خاصی صورت نگرفته و معلوم نیست آیا انتشار آثار فارسی زبان ایران در هندوستان به واسطه علایق مذهبی جامعه مهاجرین شیعی مذهب آن دیار بوده و یا بواسطه نیاز طبیعی عرضه و تقاضای بازار کتاب صورت می‌گرفته است چراکه می‌دانیم برخی ناشرین پرکار هندی مانند نولکشور (Nowel Kishore) از جنبه‌های بسیاری در مقایسه با انتشارات سنتی ایران مجهزتر بودند (Schejlova 1999; Diehl 1973).

بخش‌های دوم و سوم فهرست را باید در کنار یکدیگر بررسی کرد، زیرا آثار مندرج در هر دو بخش هرچند دارای ویژگی نسبتاً ناهمگونی هستند ولی در عین حال شباهتهای فراوانی نیز با یکدیگر دارند، به این معنا که هر دو بخش به لحاظ کیفی همگن هستند ولی مصنفات بخش «مصیبت‌نامه» از نظر موضوعی با یکدیگر همخوانی دارند، هرچند ما شاهد این هستیم که آثار مندرج در بخش «قصص و حکایات» آثاری خاص و رسمی (قصه و حکایات) به حساب می‌آیند، و این در حالی است که نقطه مشترک آثار بخش «بچه خوانی‌ها» مخاطب یکسان، یعنی کودکان، می‌باشند. البته برخلاف تصوراتی که ممکن است از رهگذر این اظهارات در ذهن جای بگیرد، باید دانست که هریک از این دو بخش به شکل جنگ یا کشکولی (Omnium gatherum) است که حاوی مجموعه آثاری با درونمایه‌های گوناگون و با سبک‌های گوناگون می‌باشند.

به‌عنوان مثال، در بخش دوم دو اثر حماسی پرحجم «اسکندرنامه و رموز حمزه» به چشم می‌خورد که روایات فعلی آنها احتمالاً برگرفته از نقالان و قصه سرایان آن زمان است، که از این میان می‌توان آثار زیر را برشمرد: ترجمه فارسی «الف لیله و لیل» که عموماً در ایران با نام «هزار و یک شب» و یا «الف لیل» شناخته می‌شود (نگاه کنید به محبوب ۱۳۳۸، بهره‌های ۷-۱۰) و ظاهراً براساس متن عربی چاپ بولاق صورت گرفته بود؛ مجموعه قصص و ضرب‌المثل‌هایی که بعدها با عنوان «جامع التمثیل» معروف شدند و در اصل از تالیفات هندیهای دوران تسلط مغول‌ها به شمار می‌آمدند (Marzolph 1999 a)؛ اثری در مورد وضعیت عالم هستی به نام «عجائب المخلوقات»؛ اثری در مورد سوارکاری و تیمارگری اسب‌ها به نام «فرس‌نامه» (Edwards 1922 / col. 206)؛ گزیدهٔ مختصری از «قصه‌های هزارویک شب» (به بالا مراجعه کنید)، و بالاخره شرح مفصل و منثور شیرینکاری‌های قهرمان ملی ایرانیان یعنی رستم در اثری به نام «رستم‌نامه» از نویسنده‌ای ناشناس. همچنین، بخش سوم فهرست حاجی موسی آثاری با ویژگی حماسی را در خود جای داده که از میان آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد «حسین کرد» (Marzolph 1999 b)، «نوش آفرین»، «شیرویه» و «قهرمان قاتل». از دیگر قصه‌های موجود در این بخش می‌توان از قصه‌های عاشقانه (مانند «بهرام و گلندم»، «لیلی و مجنون»، «شیرین و فرهاد»، و «یوسف و زلیخا»)، قصه‌های عیاری (مانند «دلهٔ مختار»)، قصه‌ای منظوم دربارهٔ معراج پیامبر اسلام (به نام «معراج‌نامه»)، آثار اخلاقی و معنوی مانند «خزان و بهار، سراج‌المنیر و چهار درویش»، قصه‌های طنزآمیز یا هجویه مانند «دزد و قاضی و موش و گربه» و بسیاری آثار دیگر نام برد که در اغلب موارد تعیین جایگاه آنها در دسته‌بندی حاجی موسی و دیگران کار مشکلی است.

یکی از معیارهای متمایزکنندهٔ اکثریت آثار مندرج در دستهٔ دوم از بیشتر آثار بخش سوم فقط و فقط حجم آنهاست؛ به این معنا که کتاب‌های بخش ادبیات کودکان («بچه خوانی‌ها») اغلب کتابهایی با کمتر از یکصد صفحه و در قطع کوچک می‌باشند، در صورتیکه برعکس تمام چاپ‌های «هزار و یک شب» حدوداً ششصد صفحه حجم دارند؛ چاپ ۱۲۷۳-۷۴ «اسکندرنامه» در حدود هشتصد صفحه منتشر شده، و چاپ ۱۲۷۴-۷۶ «رموز حمزه» در حدود هزار و دویست صفحه چاپ شده و همگی این آثار در کاغذ و کتاب قطع بزرگ رحلی. علاوه بر این، بسیاری از این آثار که تحت عنوان «قصه» یا «حکایت» دسته‌بندی شده‌اند با مسائل جدی هویت ملی ایرانیان سروکار دارند. درست به همان ترتیب که «مصیبت‌نامه‌ها» به موضوعات مربوط به هویت دینی شیعیان می‌پردازند.

اگر از این موارد صرف‌نظر کنیم، استدلال یا دلیل مؤلف برای گنجاندن پاره‌ای از این آثار زیر هر یک از دو عنوان پیش گفته برای ما معلوم نیست. همچنین، عنوان‌گذاری مؤلف برای آثار

مندرج در ردیف یا دسته آخر (بچه خوانی‌ها) مقداری مبهم و اسرارآمیز است. با توجه به سطح سواد اندک ایرانیان در قرن نوزدهم به احتمال بسیار زیاد عنوان «بچه خوانی» نه به معنای مطالبی که کودکان آن را خواهند خواند بلکه به مفهوم مطالبی که برای کودکان خوانده خواهد شد، مطرح بوده است. به سخن دیگر، فهرست بخش «بچه خوانی‌ها» حاوی مطالبی است که تصور می‌شده از نظر سرگرم‌کنندگی و آموزندگی اخلاقی برای افراد کم سن و سال مناسب هستند و از نظر حجم مطالب هم آنقدر حجیم نیستند که نتوان در یک جلسه آنها را برای کودکان خواند. در مورد منابعی که این آثار از آنها تأثیر پذیرفته‌اند نیز باید دانست که مضامین این دسته آثار هم برگرفته از آثار کهن فارسی و هم اقتباس از آثار و رویدادهای دوره قاجار بوده، و به لحاظ شکل ارائه مطالب نیز به گونه‌ای هستند که هم در قالب نثر بیان شده‌اند و هم در قالب نظم.

در مورد گستره رواج عناوین مندرج در دو بخش آخر از لحاظ کمیت، باید دانست که از قصه‌ها و حکایت‌های بخش «قصص و حکایات» تا پیش از تاریخ ۱۲۸۲ ق فقط دو مورد چندین مرتبه به چاپ رسیده بوده، یکی «انوار سهیلی» و دیگری «جامع التمثیل» که «جامع التمثیل» شاید شماره چاپهای آن بیش از هر متن فارسی دیگر باشد» به نقل از صادق کیا در پیشگفتار چاپ کتاب «مجمع الامثال». (Marzolph 1999 a, 170). نکته جالب توجه این است که هر چند هدف از انتشار این دو اثر یکسان نبوده ولی در عین حال ویژگی مشترک آنها این است که هر دو در برگیرنده حکایات یا قصه‌های کوتاه هستند. در حالی که روایات حماسی طولانی و حتی قصه‌های کوتاه عشقی نیازمند مطالعه مستمر می‌باشند، آثاری مانند «انوار سهیلی» و «جامع التمثیل» را می‌شد به صورتی اجمالی و گذرا مطالعه کرد، و به این ترتیب در دوره قاجار نوعی روش کتاب خواندن یا مطالعه به وجود آمد که در نیمه آخر قرن بیستم آن روش را روش «جدید» یا «متجدد دانه» نام نهاده‌اند. در بخش «بچه خوانی‌ها» تعدادی از آثار تا قبل از سال ۱۲۸۲ قمری به چاپهای سوم و چهارم نیز دست یافتند. همچنین به استثناء کتاب مذهبی «معراج‌نامه»، تمامی این آثار حاوی مطالب سرگرم‌کننده (مانند قصه‌های عشقی، حماسی - عشقی، جادویی و عیاری و طراری) می‌باشند، ولی بدیهی است این نوع مطالب و نوشته‌ها، به‌رغم وجود و حضور مفاهیم اجتماعی فراوان در آنها، و به‌رغم قالب سرگرمی آفرین آنها جزء ادبیات آموزشی محسوب نمی‌شوند.

کلام پایانی

دوره قاجار را اغلب دوره زوال فرهنگی ایران دانسته‌اند. هرچند این ارزیابی در مورد سطح رشد سیاسی اقتصادی این دوره درست به نظر می‌رسد اما از نظر فرهنگ عامه این دوران دارای

جذبه خاصی است چراکه در این عصر، جامعه قاجار بین دو قطب «سنت» و «تجدد» در نوسان بود. نمودار روشن این موضوع آثار مندرج در فهرست حاجی موسی است که ما نکاتی را درباره آن بیان کردیم.

از یک سو، ادبیات عامه موجود در عصر قاجار صرفاً برگرفته از روایات، قصه‌ها و سنن فارسی بود چراکه ترجمه آثار داستانی اروپائی هنوز در ایران منتشر نشده بود (Shcheglova 1983)، و می‌دانیم که این تحول مهم یعنی رواج ترجمه آثار داستانی اروپائی پس از ترجمه آثاری همچون «کنت موننت کریستو» اثر الکساندر دوما (ترجمه شده در سال ۱۳۱۲ ق / ۱۸۹۴ م)، Mille et un jour (ترجمه فارسی با عنوان «الف نهار» در سال ۱۳۱۴ ق / ۱۸۹۶ م)، و یا «دکامرون» اثر بوکاجیو (۱۳۲۲ ق / ۱۹۰۴ م) صورت گرفت. از سوی دیگر اکثر آثار مندرج در فهرست حاجی موسی به اصطلاح «همیشه سبز» از آب درآمدند چراکه این آثار حتی تا نیمه دوم قرن بیستم هم تولید و هم خوانده می‌شدند. بنابراین و از این نظر، ادبیات عامه دوره قاجار دارای جایگاه بی‌بدیلی است چراکه این ادبیات زبان حال فرهنگ یک ملت در یک دوره گذار بود. مقاله حاضر نیز فقط مدخلی است بر این زمینه پژوهشی که مستلزم پژوهش بیشتری است؛ پژوهشی که بتواند جنبه‌هایی مانند تحول زبانی و یا نقش مفاهیم کلیدی اجتماعی را به تفصیل کند و کاو کند. شاید مهمترین نکته نیز این باشد که به نحوی شرایط عمومی تولید و توزیع یا ترویج ادبیات دوره قاجاری به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا شاید از این رهگذر انگیزه‌ها و دلایل تولید ادبیات عامه در این دوره درک گردد. در هر حال، ادبیات عامه دوره قاجار چه از نظر حجم و کمیت و تنوع چه از لحاظ عناوین، تأثیر شگرفی بر دیدگاه‌های عامه مردم برجای گذاشت، آن هم درست در دوره‌ای که بلافاصله به عصر تجدد منتهی شد.

یادداشت مهم

در این جستار، ذکر منابع و مراجع کتاب شناختی به ترتیب زیر انجام شده است: عنوان اصلی به صورتی که در فهرست حاجی موسی ذکر شده است، ارجاع به فهرست کتب شیعی آقا بزرگ طهرانی موسوم به «الذریعه» و «فهرست کتابهای چاپ شده فارسی» تألیف خانابا مشار، چاپ اصلاح شده و بزرگ به کوشش احسان یار شاطر (فهرست؛ ارجاعات دیگر فقط در صورت نقص ارجاعات قبلی درج شده‌اند)؛ عنوان کامل (در صورت لزوم) مطابق با منابع کتاب شناختی؛ نام مؤلف (به علاوه تاریخ‌گذاری مؤلف یا اثر وی؛ چاپهای شناخته شده اثر در قبل از تألیف فهرست حاجی موسی (محل چاپ فقط در صورتی که خارج از ایران بوده باشد ذکر گردیده است).



فهرست منابع و مراجعی که در این جستار نام آنها ذکر گردیده است.

- ۱- بابازاده، شهلا (۱۳۷۸)، تاریخ چپ در ایران، تهران: طهوری
- 2- Bertels, E. E.
(1934) *Persidskaia Lubochnaia Literatura*. In *Sergeiu Fedorovichu Oldenburgu K Piatidesiatiletu nauchno-Obshchestvennoi deiatelnosti 1882-1932*, ed. I. Iu Krakovski, 83-94. Leningrad: An SSR.
- 3- Chelkowski, Peter, ed.
(1979) *Taziye: Ritual and drama in Iran*. New York: New York University Press.
- ۴- الذریعه، آقا بزرگ الطهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، در ۲۶ جلد، تهران، المکتبه الاسلامیه (۱۳۸۷-۱۴۰۵ ق / ۱۳۸۷-۱۹۸۴ م).
- 5- Diehli, Katharine S.
(1973), Lucknow Printers 1820-1850. In *Comparative Librarianship: Essays in honour of Professor D. N. Marshall*, ed. N. N. Gidwani, 115-28: Delhi: Vikas Publishing House.
- 6- Dodge, Bayard, translator
(1970) *The Fihrist of al-Nadim*. New York: Columbia University Press.
- 7- Dorn, Bernhard Von
(1852) *Aus Briefen des Staatsraths Von Dorn*. *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft* 6:405-408.
- 8- Edwards, Edward
(1922) *A Catalogue of Persian Printed Books in the British Museum*
- 9- Elwell-Sutton, Lawrence P.
(1980) *A narrator of tales from Tehran*. *Arv* 36:201-208.
- ۱۰- فهرست، فهرست کتابهای چاپی فارسی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ ش (۱۹۶۶)، به کوشش احسان یار شاطر. در سه جلد. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب (۱۳۵۲ ش / ۱۹۷۳ م).
- 11- Fontana, Maria Vittoria
(1994) *Iconografia dell'Ahl al-bayt. Imagini di arte persiana dal XIII al XX Secolo*. *Supplemento N. 78 to Annali* 54. 1.
- 12- Grotzfeld, Heinz and Sophia
(1984) *Die Erzählungen aus Tausendundeiner Nacht*. Darmstadt: Wissenschaftlich Buchgesellschaft.
- 13- Hanaway, William L.
(1971) *Popular Literature in Iran in: Continuity and Variety*. ed. P. J. Chelkowski / 59-75. New York: Center for Near Eastern Studies.
- ۱۴- همایونی، صادق (چاپ دوم ۱۳۷۱ ش)، حسینیه مشیر: سروش، ۲۵۳۵ شاهنشاهی همایونی، صادق (۱۳۶۸)، تعزیه در ایران - شیراز، نوید.
- 15- Irwin, Robert
(1994) *The Arabian Nights: A Companion*. London: Allen, Lane Penguin.
- 16- Leder, Stefan. ed.

- (1998) Story-telling in the Framework of non-Fictional Arabic Literature. Wiesbaden: Harrassowitz.
- ۱۷- محجوب، محمد جعفر (۱۳۳۸)، داستانهای عامیانه فارسی. سخن، سال دهم، شماره اول (۱۳۳۸): صفحات ۶۴-۶۸. (ادامه به صورت ۲۲ قسمت تا سخن سال دوازدهم (۱۳۴۰): صفحات ۱۰۲۵-۱۰۱۳: محجوب، محمد جعفر (۱۳۶۸)، ابومسلم نامه: سرگذشت حماسی ابومسلم خراسانی. ایران شناسی سال اول، شماره ۴: صفحات ۷۰۴-۶۹۱؛ سال دوم، شماره سوم (۱۳۶۹): صفحات ۹۵-۴۸.
- 18- Marco, Joaquin
(1977) *Literatura Popular en Espana en los siglos XVIII y XIX. Una aproximacion a los pliegas de Cordel*. 2 Vols. Madrid: Taurus.
- 19- Marzolph, Ulrich
1994a *Dastanha-ye shirin. Fünfzig persische Volksbüchlein aus der zweiten Hälfte des Zwanzigsten Jahrhunderts (Abhandlungen für die Kunde der Morgenlands)*. Wiesbaden
1994b *Social Values in the Persian Popular romance "Salim-i Javahiri"*. *Edebiyat, New Series*: 77-98.
1995 *Molla Nasroddin in Persia*. *Iranian Studies* 28: 157-74.
1997 *Medieval knowledge in modern reading. A 15th Century Arabic encyclopedia of Omni re Scibili*. In *Pre-modern encyclopedic texts, proceedings of The Second COMERS Congress, Groningen, 1-4 July 1996*. ed. P Binkley, 407-19. Leiden: Brill.
1999a *Illusted exemplary tales: A nineteenth Century edition of the Classica Proverb Collection Jameal-tamsil*. *Proverbium* 16: 167-91.
1999b *A treasury of formulaic narrative: The Persian Popular romance Hosein- e Lord*. *Oral Tradition* 14(2): 279-303.
2000V *variation, Stability, and the Constitution of meaning in the narratives of a Persian Storyteller*. In *Thick Corpus. Organic Variation and Textuality in Oral tradition*, ed. L. Honko (*Studia Fennica, Folkloristica* 7), 435-52. Helsinki: Finnish Literature Society.
2001 *Narrative illustration in Persian litographed books*. Leiden Brill. (*Handbook of Oriental Studies*, 1.60).
- ۲۰- مارزلف، اولریش، حسینیان نیتامر، آذر و احمد وکیلان (به کوشش) (۱۳۷۵ ش) *قصه‌های مشدی گلین* خاتم - تهران: نشر مرکز.
- 21- Mills, Margaret A.
(1992) *Rhetorics and Politics in Afghan traditional storytelling*. Philadelphia: University of Pennsylvania.
- 22- Mohl, Jules
(1876) *Catalogue de la bibiotheque orientale de feu M. J (ules) Mohl. Member l'Institut (...)* Paris: Ernest Leroux.
- ۲۳- نشاط، میرزا (۱۲۸۲ ق) *کتاب گنجینه عبدالوهاب معتمدالدوله*. تهران

- 24- Omidssalar, Mahmoud
 (1984) Storytelling in Classical Persian texts. *Journal of American Folklore* 97:204-12. Omidssalar, Mahmoud and teresa
 (1999) narrating epics in Iran. In *Traditional storytelling Today. An International Sourcebook*, ed. Margaret Read MacDonalسد, 32640. London: Fitzroy Dearborn
- 25- Perry, John R.
 (1986) Balckmailing Amazons and Dutch Pigs: A consideration of epic and folktale motifs in Persian historiography. *Iranian Studies* 19: 155-56.
- ۲۶- قاسمی، سید فرید (۱۳۷۹). سرآغاز چاپ کتاب در تهران: نگاهی به دو فهرست. جهان کتاب، شماره ۵: صفحات ۱۹-۲۲.
- ۲۷- سیف، هادی (۱۳۶۹) نقالی قهوه‌خانه‌ای تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
- 28- Shcheglova, Olimpiada P.
 1975 Katalog litografirovannyx knig na Persidskom yazykev Sobranii Leningradskogo Otdeleniia Instituta Vostok-ovedeniia AN SSR. 2 Vols. Moscow: Nauka.
 1979 Iranskaia litigrafirovannia. Kniga Moscow: Nauka.
 1983 K Voprosuo P Perevodax a evropeiskix yazkov na Persidskii v Irane v XIX V. Ob ix Pervyx Publikaciiax. Pismenaye Parmiatniki I Problemy istorii kultury narodov Vostoka 17: 109-13.
 1989 Katalog Litografirovannykh Knig na Persidskom yazyke v Sobranii Vostochnigi otdela nauchnai biblioteki im. A. M.. Gorkogo Leningradskogo gosudarstvennogo universiteta. Moscow: Nauka...
 2001 Persioizychnaia litografirovannaia kniga indiiskogi proizvodstva (XIX V). Sankt Peterburg: Peterburgskoe Vastokovedenie.
- 29- Scheffer, Charles
 (1899) Catalogue de la bibliotheque Orientale de feu M. Charles Scheffer. Member de L'Institut (000) Vente du Lundi 17 Avril au Samedi 6 Mai (...) Paris: Ernest Leroux.
- 39- Shcheglova, Olimpiada P.
 (1999) Litograph 'Versions of Persian manuscripts of Indian manufacture in the nineteenth century. *Manuscripta Orientalia* 5(1): 12-22.
- 40- Schenda, Rudolf
 (1993) Von Mund Zu Ohr. Bausteine Zu einer Kulturgeschichte volkstümlichen Erzählens in Europa. Göttingen: Vandenhoeck and Ruprecht.
- 41- Steinschneider, Moritz
 (1884) Neupersische Drucke der K. bibliothek in Berlin. *Centralblatt für Bibliothkswesen* 1:270-75, 315-22.
- 42- Yamamoto, Y.
 (2000) From Storytelling to Poetry. The Oral background of the Persian epics. Unpublished dissertation. London University.